

علم سیاسی و نظامی

انتخاب سه پایتخت

در ایران هخامنشی

بمقام
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سرهننگ ستاد

نصرت اله بختورتاش



پروفیسر شکیل احمد
پرنسپل جامعہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ

علائق سیاسی و نظامی انتخاب سیه پایتخت

در ایران هخامنشی

معلمان تاریخ در پشت نیمکتهای رنگ رفته دانشپایه‌ها از دبستان گرفته تا دبیرستان و دانشکده بما گفته‌اند، و نیز وقتی بدیدن آثار باستانی تخت جمشید یا شوش میرویم، باستان‌شناسان ما که با کوشش پرمایه خود از زیر آوارهایی که در غم زمانه‌ها از بزرگ تاریخ هلمتی کهن را از دید «تسرك و تازی» پوشیده نگه داشته‌است، بیرون می‌آورند، بمایم‌گویند: «شاهنشاهان هخامنشی سه پایتخت داشتند؛ تخت جمشید و شوش و هگمتانه (همدان - اکیاتان) تابستان را در هگمتانه، پاییز و زمستان را در شوش، و بهار را در تخت جمشید بسر میبردند.»

قسم

سرهنگ ستاد : نصرت‌اله بختورتاش

این شهرهای بزرگ و آباد را که بر آسیا، بخشی از اروپا و افریقا حکومت میکرد، بیشتر منزلگاه ساده شاهان میدانند که تنها از راه تفرج و تفنن و وسیله بیلاق و قشلاق دربار و درباریان بوده است و کمتر به ارزش و نقش سودبخش این سه کانون از نظر سیاسی و نظامی (استراتژیکی) توجه کرده‌اند. ممکن است در نیمه دوم دوره هخامنشی رفتن از این پای تخت به آن دیگری برای فرار از گرما و یا گریز از سرما و از راه سرگرمی و تفرج بوده باشد، اما در روزهای نخستین به یقین ارزش سیاسی و نظامی این نقاط مورد نظر بوده است.^۱

برای حفظ راهها و مقابله تند با خطر و نیز نگهداری امنیت ملی، دولت هخامنشی به آبادی و عمران پرداخت. شهرها ساخت و دهکده‌ها را توسعه داد، پاسگاه و پادگان و پایگاه استوار کرد، تاپگانهای نظامی «خود کافی» باشند.

فرماندهان نیز اختیارات لازم داده شد تا تمهیدات اخلاقی و مسئولیت‌های واقعی دولت را در خسارج از ایران مرکزی برای ملل تابعه انجام و اجرا نمایند.

این تمهیدات که ناشی از ذات دولت است بیشتر ناظر بر امور اجتماعی، سیاست داخلی و امنیت و رفاه مردم بود و فرماندهان با اختیارات وسیع میبایستی در هر نقطه با هر گونه آشوب و سرکشی پیکار کنند و استقلال و امنیت را حفظ نمایند.

یکی از این پاسگاهها که ارزش نظامی و سیاسی خاصی از نظر حفاظت راههای دریائی (یا بزبان باستانی، او راه، آب‌راه) و مراقبت ارون در رود و دهانه خلیج فارس را از دزدی دریائی و تجاوزات نظامی داشت، نقطه‌ای است که امروز

۱- الیزه روکلیو، مقاله ایران، مجله انجمن جغرافیائی نوشامل جلد ۱۱، سال ۱۸۹۸ ترجمه سرتیپ نقدی، ماهنامه ارتش شماره ۲ سال ۱۳۴۵ و بازارگاد، تاریخ فلسفه و مذاهب جهان، جلد دوم سال ۱۳۴۷، صفحه ۱۳۸

شهر صنعتی آبادان در آنجا بوجود آمده و هنوز هم دارای ارزش نظامی و سیاسی و اقتصادی بسیار است .

بخصوص در آن روزگار باتوجه بموقعیت دهانه خلیج فارس و اروندرود و همچنین وضع کشتیرانی در رودهای کارون و بهمینشیر^۲، آبادان که بصورت شبه جزیره ای بود پایگاه ارزنده ای بشمار میرفت .

واژه آبادان که شکل کهن آن اپاتان OPATAN میباشد . از سه بخش جدا گانه «اپات-آن» درست شده و یک اسم مرکب بوجود آورده است .
«ا» بمعنی آب است ، امروز هم در بیشتر نقاط ایران این واژه را بکار میبرند و همین معنی را میدهد .

«پات» بمعنی پائیدن و مراقبت کردن است که بصورت پادهم آمده است .
«آن» پسوندی است که نسبت را میسرساند .

در واقع این سه جزء بر روی هم معنی میدهد : دیدگاه آب، یاجائی که از آب پاسبانی و مراقبت میکنند و راه دریا را میپایند^۳ .
این موضوع خود از نظر نظامی معرف بصیرت تاکتیکی ایرانیان بوده که موقعیت های محلی را بخوبی درک میکرده اند و فعالیت های نظامی را بر آن منطبق می ساخته اند .

همان ضرورتی که ایجاد ، استقرار و توسعه پاسگاهها و پادگانها را

۲- مسیر اصلی رود کارون در گذشته رود بهمینشیر بود که امروز هم جاری است اما در دوره عضدالدوله دیلمی برای کوتاه کردن راه کشتیرانی، کارون را بصورت امروزی به اروندرود متصل ساختند و قسمتی را که امروز از میان خرمشهر میگذرد کنده اند .

۳- همین کلمه در زمان تازیان عبادان شده استخری در کتاب المسالك والممالك مینویسد :

« اما عبادان حصارکی است کوچک و آباد برکناره دریا و آب دجله آنجا گردآید و آن رباطی است که در آن پاسبانان بودندی که دزدان دریا را نگاه داشتندی و آنجا پیوسته این کار را گروهی مترصد باشند» برای اطلاعات بیشتر به کتاب نامبرده و مجله شماره ۵ و ۶ ارتش سال ۱۳۴۸ مقاله اروندرود بقلم دکتر بهرام فرهوشی مراجعه شود .

ایجاب مینمود، تنوع و تغییر و تبدیل و چندتائی مراکز حکومت را در ایران دستور میداد.

بنابر این اصل مسلم و غیر قابل تردید همین ضرورت تاریخی است که بر پایه وسعت کشور و ضوابط سیاسی توأم با چگونگی فصل مساعد در هر کجای بوجود آمده و گرائیدن به بیلاق و قشلاق فرع مسئله است. پس تا اینجا ضرورت استراتژی و لزوم سیاسی و جبر نظامی «چند مرکزی» حکومت را در این سرزمین پدیدار میسازد.

ایران در جهان شناخته شده آن روز گذرگاهی بود از خاور تا باختر باشهرها و روستاهای آباد و پر ثروت، باشبکه راهها و خطوط ارتباطی خوب و قابل اطمینان که در سراسر آن خوراک و پوشاک و آب و علف و از نظر نظامی تدارکات فراوان یافت میشد و از نعمت امنیت و آسایش هم برخوردار بود. شرایط مختلف اقلیمی، آب و هوای گرم در جنوب، شرایط معتدل در مرکز و آب و هوای کوهستانی در شمال باختری و خاوری و آب و هوای جنگلی و مرطوب در شمال، خود تنوع فرآورده‌های کشاورزی و دامی و بطور کلی همه فصلی بودن آنرا امکان پذیر میساخت.

مفهوم دیگر این بیان میرساند که ایران با این شرایط مساعد و آماده سرزمین باروری بود که:

انبار غله و میوه و علوفه بشمار می‌آمد و نظیر تیره‌هایی را که در شرایط نامساعد و سرزمینهای کم بار میزیستند جلب میکرد و جاذب خطر بود. بناچار دولت ایران یا هر دولت زنده و بیدار، بایستی سمت خطر را بیابد و نه تنها استحکامات دفاعی بسازد، بلکه کانون ثقل سیاسی را بانگوش بنوع و سمت خطر و نیز شرایط جغرافیائی جابجا کند.

وقتی تیره ماد در ایران حکومت میکرد، دولت بزرگ دیگری بنام آشور در بین‌النهرین وجود داشت و مرکز قدرت ایران با توجه بمقتضیات روز میبایست در حاشیه غربی سرزمین ایران باشد و این اجتناب ناپذیر بود.

خطر دولت مقتدر و خونخوار آشور چندین بار در زمان شاهنشاهی ماد ایران را تهدید میکرد و سپاهیان آشور بارها از تنگه‌های کوهستانی زاگرس و راههای جلگه بسوی ایران سرافزیدند و بارتش ماد پنجه درافکندند . اما دولت ماد قوی بود ایستاد و هرگز میدان را رها نکرد و در فرصت مناسب بر آشور تاخت، بطوریکه نینوا زیر و رو شد و هنوز هم تپه‌هایی از خاک که زبان حال آن ویرانی‌ها است برجاست.^۴

با توجه به نقشه جغرافیا ایران بسان دژی است که با کوههای بلند و بزرگ محصور شده است . زمانی که خطر از ناحیه ترکان و نژاد زرد و سکاها از سوی شمال خاوری و شمال بود و حصار طبیعی کوهها بخشی از کشور را نمی‌پوشانید، بفرمان کورش بزرگ دیواری در نقطه‌ای میان دریای مازندران و دریای سیاه در تنگه داریال کشیدند و گذرگاه میان دو کوه را بستند و مانعی بوجود آوردند تا شمال باختری ایران از دستبرد و تجاوز مصون باشد. آثار این دیوار که قرآن آنرا «سد یاجوج و ماجوج» و منسوب به ذوالقرنین^۵ دانسته و در واقع مربوط به کوروش بزرگ است هنوز باقی است و اهمیت نظامی این منطقه را میرسانند ، هم از نظر دفاع نظامی و هم از نظر جنبه‌های اقتصادی و تأثیر آن در امنیت ملی .

هنگامی که کوروش با اتحاد پارس و ماد قد برافراشت تا رسالت تاریخی و اخلاقی خویش را بانجام رساند ، ملل مختلف چه متمدن و چه غیر متمدن

۴- جنگهای ماد و آشور تقریباً در ۶۳۳ ق.م آغاز شد .

۵- برای اطلاعات بیشتر به کتاب ذوالقرنین همان کوروش بزرگ است، نوشته ابوالکلام آزاد دانشمند هند چاپ ۱۳۳۲ تهران مراجعه شود. همچنین قرآن سوره کهف مطالعه شود .

را بصورت يك واحد مستقل و متشکل سیاسی و نیرومند در آورد و ملتی نو ساخت .

آنگاه آنان را به سرزمین‌های دور فرستاد و تا آنجا رفت که خورشید غروب میکند و چنان مینمود که خورشید در دریا فرو میرود، و از سوی دیگر تابدا نجا رفت که خورشید طلوع میکند.^۶

شاهنشاهی ایران در این زمان کیفیت درخشانی داشت که هفتصد سال بعد رومیها آن کیفیت را دارا بودند .

وسعت این شاهنشاهی از سند تا نیل و از خلیج فارس تا دریای سیاه و استپ‌های روسیه چنان بود که کوروش میگوید: امپراطوری من «یابد رمن» بقدری وسیع است که : در يك زمان هم زمستان است و هم تابستان^۷

اما این پادشاه بعلمت تلاش پی‌درپی و لشگر کشی‌های اخلاقی برای رهائی دیگران از قیدها و بندها و هدایت و رهبری ارتش آزادی‌بخش ایران فرصت مناسب و کافی برای ماندن و زیستن در پایتخت نداشت. زیرا خط مشی ایران يك خط مشی جهانی بود، برای اداره حکومت جهانی و کشاندن مردم سرزمینها براه آزادی و تمدن و همزیستی پاک و اخلاقی.

بطور کلی پایتخت‌ها و مراکز ثقل سیاسی ایران از همگمتانه گرفته تا شوش و تخت جمشید بنا بر موقعیت‌های نظامی و کانونهای خطر دایر شده بود .

و چون گسترش ایران از طرف باختر بیشتر بود و در باختر مراکز دولتهای

۶ - اقتباس از آیه های ۸۶ و ۸۹ سوره کهف قرآن مجید با توجه به بند پیش
۷ - سفرنامه شاردن جلد چهارم چاپ تهران سال ۱۳۳۶ صفحه ۲۳ و ۲۰۱ -
شاهنشاهی من بقدری وسیع است که يك طرف آن از سرما و در طرف دیگرش
از گرما نمیتوان دوام آورد .

بزرگی که بتابعیت شاهنشاهی هخامنشی درآمده بودند قرارداد داشت، شهرهای هگمتانه و شوش بموازات خط باختری فلات ایران که خطر را درپیش داشت برتری و اهمیت یافتند.

میتوان این دو شهر را که برای پایتختی برگزیده شده بود دو پایگاه مقدم بشمار آورد که دولت ایران از آنجا ملل پراکنده در کرانه‌های رود- فرات و دریای سیاه و مدیترانه را زیردید گرفته بود و از این پایگاهها هر گونه عملیات نظامی را رهبری و اداره میکرد، و نیروی مسلح را به پیرامون ایران گسیل میداشت.^۸

زیرا این دوشهر در مرکز يك بیضی واقع بودند که سرزمینهای پهن‌وار ایران را دربرمیگرفت و خود از نظر نظامی و خط مشی سیاسی و لشکرکشی ارزش بسیاری داشتند. یکی بر سر راه شاهلی و گره موصلاتی و کوهستانهای شمال باختری و زاگرس و دامنه جنوبی سلسله جبال البرز قرار داشت و دیگری در جلگه بارخیز خوزستان در مسیر راههای آبی کارون و اروندرود و خلیج فارس.

بعدها که نفوذ ایران در دریای مدیترانه (بحرالجزایر) زیاد شد و تنگه‌های بسفر و داردانل یا گلوگاه دریای سیاه بر سر راه اروپا زیر حاکمیت نظامی ایران درآمد، شهر سارد نیز در آسیای کوچک مرکزیت یافت و خشایارشا گاهگاه در آنجا اقامت میگزید.

این شهر که پایتخت پیشین کشور لیدیه بود سابقه درخشان نظامی و اقتصادی هم داشت و راههای عمده‌ای که به کرانه‌های داردانل و بسفر و فینیقیه

۸- الیزه روکلیو، مقاله ایران، مدرک سابق الذکر

میرفت از این نقطه میگذشت. در همین جا بود که خشایارشا در سال ۴۷۹ پیش-از میلاد هنگامیکه «مردونیه» سردار کار آزموده و سیاستمدار برجسته ایران با سپاه خود آتن را اشغال کرد، در شب همان روز خبر فتح را دریافت داشت.^۹



۹ - هرودت ، بنقل از تاریخ ایران باستان ، جلد دوم ، صفحه ۱۴۹۳



قلمرو دولت هخامنشی در زمان داریوش بزرگ

پروفیسر

پروفیسر

پروفیسر



پروفیسر شاد عالمی
پرنسپل جامعہ اسلامیہ

پروفیسر

پروفیسر

پروفیسر

پروفیسر